

## بررسی کالبدی معماری غار اراز خرم‌آباد

### عطا حسن پور

کارشناس ارشد باستان‌شناسی، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان  
مدیر پایگاه پل‌های تاریخی لرستان  
atahasanpur@gmail.com

### فاطمه دلفان

کارشناس ارشد معماری، مدرس دانشگاه  
f.delfan63@yahoo.com

### ماریا حیدری

کارشناس ادبیات انگلیسی، پژوهشگر آزاد  
mariyaheydari133@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴ / ۴ / ۶

تاریخ پذیرش: ۹۴ / ۶ / ۸

### چکیده

تاکنون گزارش مستقل و جامعی در باره این معماری دست‌کند در منطقه لرستان به دست داده نشده است. به نظر می‌رسد سیمای کوهستانی لرستان آن را به ناحیه‌ای قابل توجه با پتانسیل بالا برای خلق چنین آثاری تبدیل کرده باشد. در این مقاله نتایج بررسی مجموعه دست‌کندهای غار اراز که در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱ انجام شده، ارائه می‌شود. این مجموعه در روستای دهگاه در بخش پاپی از توابع شهرستان خرم‌آباد قرار دارد. این بخش از لرستان به میزان زیادی خارج از حوزه بررسی‌های باستان‌شناسانه قرار گرفته است و در منابع مکتوب تاریخی نیز چندان ردی از آن نمی‌توان گرفت. با این حال فقط از طریق باستان‌شناسی و توصیف معماری می‌توان به روشن کردن زوایای تاریک گذشته آن امید داشت. مجموعه دست‌کند غار اراز شامل دو بخش کلی دست‌کندهای بیرون و درون غار است. بخش عمده گزارش حاضر با تمرکز بر روی فضاهای معماری درون غار تدوین شده است. دشواری دسترسی به داخل غار با مجموعه‌ای از پلکان‌های پیچ در پیچ، راهروها و تونل‌ها و سایر سازه‌ها همچون آب‌انبار و... در مقایسه با دیگر نمونه‌ها، توصیف مجموعه را پیچیده‌تر کرده است. با این حال ساخت و سازهای درون غار با جزئیات بیشتری توصیف شده‌اند. ساخت فضاها با کاستن مصالح (تراشیدن صخره) و در ترکیب با انباشت مصالح شکل گرفته است. علیرغم سختی کار، تلاش شده با ارائه اسناد معماری شامل سایت پلان، پلان طبقات و مقاطع به معرفی و تبیین ویژگی‌های این مجموعه دست‌کند پرداخته شود. با این حال از ساکنان این غار به غیر از معماری دست‌کند، تنها بقایای اندکی از سفال‌های سطحی به دست آمد که در حال حاضر، برای شناخت تعیین دوره سکونت در غار بسیار مهم هستند. بررسی یافته‌های سفالی و معماری این فرضیه را تقویت می‌کنند که غار اراز احتمالاً در دوره اتابکان لر کوچک با اهداف سیاسی - نظامی، آیینی یا تفریحی مورد استفاده قرار گرفته است. هدف از این تحقیق معرفی و بررسی کالبدی غار اراز است و در آن سعی شده با استفاده از روش بررسی سطحی، مستندنگاری، مطالعات تطبیقی داده‌های باستان‌شناختی، تحلیل عناصر معماری، و بررسی متون تاریخی به سؤالاتی از قبیل زمان استقرار و استفاده از این مکان، نحوه و روش ساخت، ارتباط فضا با محیط و محوطه‌های پیرامون، و در نهایت چستی کاربری غار پاسخ داده شود.

### واژه‌های کلیدی

دست‌کند، غار اراز، معماری صخره‌ای، لرستان، دهگاه، سفال، اتابکان لر کوچک.

نحوی که برای راهیابی به داخل آن باید با معضلات متعددی دست و پنجه نرم کرد. هنوز تا شناخت دقیق این اثر راه زیادی باقی مانده است، اما امید داریم که این مقاله انگیزه‌ای برای کنکاش و تحقیق بیشتر در مورد غارهای دست‌کند لرستان برای پژوهشگران ایجاد کند. برای رسیدن به این هدف بایستی منتظر بررسی‌های دقیق‌تر این غار و محوطه‌های پیرامون آن باشیم.

### ۱. پیشینه پژوهش

نام غار اراز برای نخستین بار در سال ۱۳۷۲ در پی دستگیری عده‌ای حفار غیر مجاز محلی توسط پلیس آگاهی خرم‌آباد، بر سر زبان‌ها افتاد و متعاقب آن آقای اصغر محمدی از نیروهای اداره میراث فرهنگی لرستان به این غار صعود کرد و هویت باستانی آن را مورد تأیید قرار داد (گفتگو با اصغر محمدی، ۱۶ خرداد ۹۴).

به منظور شناخت بهتر و بررسی غار بنا به درخواست اداره میراث فرهنگی لرستان، آقای حسن رضوانی همراه با دو کوهنورد به سمت غار اراز عزیمت کردند.<sup>۱</sup> ظاهراً تیم صخره‌نوردی با کمبود امکانات مواجه شده و علی‌رغم تلاش‌های زیاد، کار آن‌ها بدون نتیجه به پایان رسید. حاصل این کار با عنوان «گزارش بازدید از غارهای لرستان» به شماره ۱۳/۱۶/۴۹۵۳ و تاریخ ۷۳/۷/۶ در مرکز اسناد میراث فرهنگی کشور موجود است. رضوانی کوشش خود برای دسترسی به این غار به خوبی بیان کرده است (رضوانی، ۱۳۷۳: ۱-۹).

گزارش آقای رضوانی از این نظر اهمیت دارد که به محض تشخیص باستانی بودن غار، این اثر در رده حفاظتی قرار گرفت و انجمنی محلی در روستای دهگاه برای پاسداری از غار تعیین شد. او بر اساس سفال‌های محوطه، تاریخ‌گذاری غار را نیز مطرح کرد (رضوانی، ۱۳۷۳: ۸).

با گذشت یک‌سال در بهار ۱۳۷۴ گروه کوهنوردی «سن‌بران» به سرپرستی برادران محمد و اصغر محمدی برای دومین بار به غار صعود کردند و این بار تمام مراحل صعود و فرود به صورت نیمه‌حرفه‌ای فیلم‌برداری شد. این فیلم‌ها به لحاظ بررسی روند تخریبات و تغییرات صورت گرفته در طول

سرزمین لرستان از نظر خصوصیات زمین‌شناسی ساختاری و ریخت‌شناسی زمین، تابع ویژگی‌های عمومی زون زاگرس چین‌خورده است. که به لحاظ داشتن چینه‌هایی با دامنه بلند و کمابیش متقارن و ممتد به نام زاگرس چین‌خورده و یا زاگرس بیرونی مشهور شده است. به دلیل وجود مناطق کارستی غارها و اشکفت‌های متعددی در این محدوده پدید آمده که در طول دوره‌های طولانی گذشته برخی از آنها با همان وضعیت اولیه مورد استفاده مردمان قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، سطح زمین همواره دستخوش فرایندهایی است که دائماً شکل آن را تغییر می‌دهد. از هزاران سال قبل، بشر خود را با انواع مختلف وضع جغرافیایی و آب و هوایی موجود بر روی زمین سازگار کرده است. اما رشد جمعیت استفاده بیشتری را از منابع الزام کرده و به تبع آن پیشرفت فنون و تکنولوژی این امکان را برای بشر فراهم ساخت تا منابع را بیش از پیش مورد بهره‌برداری قرار دهد. بی شک یکی از اولین سرپناه‌های طبیعی که به واسطه این دست‌اندازی متحمل تغییر شدند، غارهایی هستند که احتمالاً امکانات زیست‌محیطی مناسب در پیرامون آنها وجود داشته است. بهره‌وری از این غارها می‌توانست ماهیت مذهبی، آیینی، سیاسی، نظامی (اتفاقات مرتبط با جنگ و یاغی‌گری)، تفریحی، یا اجتماعی داشته باشد. غار اراز مدل مناسبی از این نوع فعالیت‌هاست که درون آن با اهداف خاصی دستکاری شده و دست‌کندهای قابل تأملی در آن ایجاد شده که در نوع خود کم‌نظیر است.

با این حال، غار اراز و مجموعه معماری وابسته به آن به سبب انزوای نسبی دره دورافتاده‌ای که در آن واقع شده، آن گونه که شایسته بوده مطالعه نشده است. پس از برگزاری نخستین همایش معماری دست‌کند به میزبانی استان کرمان در سال ۱۳۹۱، آهنگ مطالعه دست‌کندهای لرستان تندتر شد و تا کنون هشت نمونه از آنها با دقت بیشتری مورد بازمینی و بررسی مجدد قرار گرفته است (حسن‌پور، ۱۳۸۸، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲).

غار اراز یکی از غارهای مرتفع سرزمین لرستان به شمار می‌رود و دسترسی به آن به میزان زیادی دشوار است. به

بیست سال گذشته نکاتی دارد که دارای اهمیت است.

در زمستان سال ۱۳۸۵ هیئت بررسی و شناسایی دهستان کشور، این اثر را به شماره P.I.035 مورد بررسی قرار داد و به توصیف فضاهای درون غار به همراه ابعاد و اندازه فضاها و آب‌انبارها پرداخت. در این گزارش چند تکه سفال به همراه دو تصویر دورنما از غار ارائه شده است و قدمت آثار موجود در غار را به دوره‌های اشکانی، ایلخانی، و صفوی نسبت داده اند (مهدور، ۱۳۸۵: ۲۳۵). همین گزارش در قالب پرونده ثبتی به شورای ثبت کشور پیشنهاد شد و با عنوان غار قلعه اراز به شماره ۱۸۶۰۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. با این حال، در گزارش ثبتی این اثر با همان داده‌های باستان‌شناسی به دوره تاریخی و سلجوقی منتسب شده است (مهدور، ۱۳۸۵). گفته شده که تیم بررسی‌کننده به داخل غار صعود نکرده اند (همان، ۲۳۵).

در تاریخ نهم تیرماه ۱۳۸۸ حسن‌پور همراه با یک تیم صخره‌نورد به فضاهای داخلی غار اراز دسترسی پیدا کرد. هدایت فنی این تیم را آقای داریوش ابدالیان از مربیان صخره‌نوردی بر عهده داشت. در این بازدید تمام زوایای غار، مسیرهای ورودی، عناصر معماری دست‌ساز و دست‌کند و سایر موارد مستند شد و از یافته‌های باستان‌شناسی سطحی درون غار نمونه‌برداری شد.

مدت زمان نه چندان طولانی بین گردآوری مواد و مطالعه آنها به نگارندگان این فرصت را اعطا کرد که به منظور تکمیل گزارش و به‌خصوص نقشه‌برداری غار، مجدداً در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۱۳ با همان تیم قبلی و خانم مهندس فاطمه دلفان برای دومین بار به غار صعود کرده و علاوه بر تکمیل مستندسازی و تهیه نقشه (پلان، مقطع، نما) از تمام فضاهای غار، نقشه سه‌بعدی غار را نیز تهیه کنند.

## ۲. وجه تسمیه غار اراز

نام این غار از دیرباز تاکنون با افسانه‌های محلی مردم منطقه آمیخته شده است. آنان اعتقاد دارند که این غار در گذشته محل زندگی پادشاهی بوده که با شنیدن صدای قهقهه زنی که در منطقه گرناس می‌زیسته، دچار بیماری اراز شده است.<sup>۲</sup> از

آن پس قلعه‌ای که محل زندگی آن زن بوده به نام قلعه قهقهه، و این غار به نام اراز یا بنة اراز مشهور می‌شوند. البته قلعه قهقهه که در منطقه گرناس نزدیک شهرستان اندیمشک در استان خوزستان قرار دارد با غار اراز ده‌ها کیلومتر فاصله دارد و این داستان نمی‌تواند حقیقت داشته باشد اما شاید شباهت برخی عناصر دست‌کند قلعه قهقهه، و همچنین صعب‌العبور بودن مسیر دسترسی در هر دو محوطه و ارتباط فولکلوریک آنها با وجود فاصله‌های زیاد، ریشه در پیوندهای مشترکی داشته باشد که در وضعیت فعلی امکان بازسازی آن وجود ندارد و ارزیابی نهایی در این باره نیازمند کاوش‌های هدفمند در محوطه‌های مذکور است.

## ۳. موقعیت جغرافیایی غار اراز

این غار در موقعیت ۳۳ درجه و ۱۲ دقیقه و ۴۴ ثانیه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۳۷ دقیقه و ۲۰ ثانیه طول شرقی قرار گرفته و ارتفاع آن از سطح دریا ۲۰۵۰ متر است.

مجموعه دست‌کندهای غار اراز در شصت کیلومتری جنوب شرق خرم‌آباد و دو کیلومتری شمال شرقی روستای دهگاه از توابع دهستان کشور<sup>۳</sup> در بخش پاپی و در سینه جنوبی کوه «تاف» واقع شده است (نقشه ۱). دهستان کشور شامل دره‌های ناهموار و عمدتاً صعب‌العبور است که مجموعه‌ای از کوه‌های موازی در جهت شرقی - غربی و چند گذرگاه آن را شکل می‌دهند. هر کدام از این کوهها (از جنوب خرم‌آباد تا شمال شهرستان اندیمشک) دره‌های کوچک نسبتاً حاصلخیزی دارند که در مقایسه با زمین‌های موجود لرستان، حتی در پررونق‌ترین دوره‌های خود نیز جمعیت اندکی داشته است که به خوبی انزوای نسبی و چشم‌انداز بکر آنها را بیان می‌کند. مطابق این تعریف روستاهای دائمی اندکی در این محدوده شکل گرفته اند که از آن جمله می‌توان به سنگ‌تراشان، دهگاه، و پیوست واقع در دره کشور اشاره کرد.

دره کشور که محدوده مطالعه‌شده این مقاله است، ابعادی در حدود ۱۷×۷ کیلومتر دارد (تصویر ۱). دره کوچک کشور با چند گذرگاه - که ارتفاعات آن را بریده است - مشوق شیوه جابه‌جایی فصلی جمعیت کوچرو قبیله‌ای و یکی از

ایل راه‌های با اهمیت لرستان است. جغرافیای کوهستانی این بخش از لرستان آن را به ناحیه‌ای حاشیه‌ای با پتانسیل اندک برای کشاورزی تبدیل کرده است. این منطقه برای دامداران کوچ‌رو بسیار مساعد بوده اما قابلیت کشاورزی وسیع و جذب استقرارهای پرجمعیت را نداشته است. این منطقه در عین حال محل تردد عشایری از ایلات پاپی و سکوند و بیرانوند به سمت خوزستان است. ساکنان دره کشور از ایل پاپی و طوایف مرادی، ناصری، کشوری، و مدهنی هستند و شغل اغلب آنها دامداری است.

در واقع مشخصه این بخش از لرستان این است که محصور در کوه‌ها و بسته است و فاقد مرکز سکونتی بزرگ است. کوه‌های هشتادپهلوی (۳۰۱۲ متر)، توی (۲۹۰۰ متر)، دوش سرخ (۲۱۰۰ متر)، و چی لنگ (۲۲۹۵ متر)، قسمت جنوبی و کوه‌های تاف (۲۷۱۷ متر)، آوتی (۲۴۹۲ متر) و کوه کلا (۲۸۴۵ متر) قسمت شمالی دره کشور را در بر گرفته اند. بخش غربی دره کشور قسمتی است با چین‌خوردگی‌های شدیدتری که از به هم پیوستن کوهپایه‌های تاف و هشتادپهلوی کاملاً مسدود شده و یکی از بزرگ‌ترین حوضه‌های آبریز لرستان را تشکیل می‌دهد (حسن‌پور و ملک‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۶). آبشارهای زیبای وارک، نوژیان، و آوتی و سراب‌های گُلما، پیر اسد، و اسپی‌آو بخشی از منابع آب جاری منطقه را تشکیل می‌دهند و مجموع آنها در قالب رودخانه سُرخ‌آب در انتهای شرقی دره به رودخانه سزار می‌ریزند.

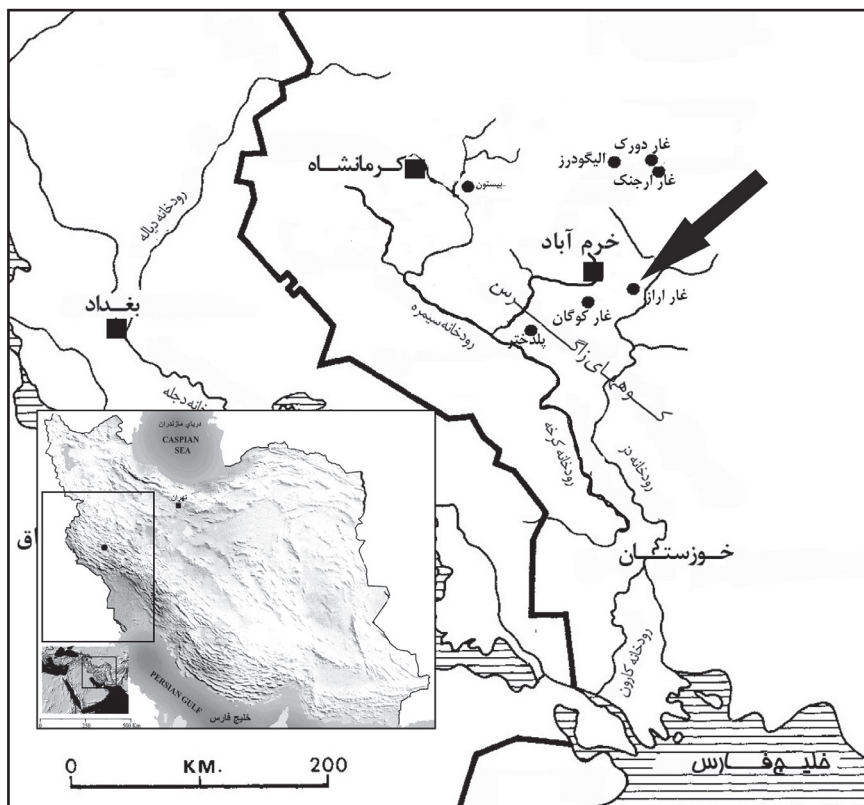
رشته کوه تاف به طول ۳۲ کیلومتر همچون دیواری عظیم از منطقه پاتاف در جنوب خرم‌آباد تا رودخانه سزار امتداد یافته است و از روند عمومی چین‌خوردگی‌های منطقه مطابق با روند عمومی چین‌خوردگی زاگرس پیروی می‌کند. غربی‌ترین قسمت کوه تاف قله‌ای به ارتفاع ۲۷۱۷ متر از سطح دریا است. به سمت شرق آبشار نوژیان از ارتفاع تاف تا حدود ۱۵۰۰ متر از سطح دریا کاسته می‌شود. از این نقطه به بعد بر ارتفاع کوه تاف به طور قابل ملاحظه‌ای افزوده می‌شود و در محدوده آبشار آوتی ارتفاع آن از سطح دریا تا ۲۴۹۲ متر می‌رسد. حد فاصل آبشارهای آوتی و نوژیان محلی است که غار اراز در سینه عمودی کوه تاف واقع شده و مشرف به

روستاهای پیوست و دهگاه است.

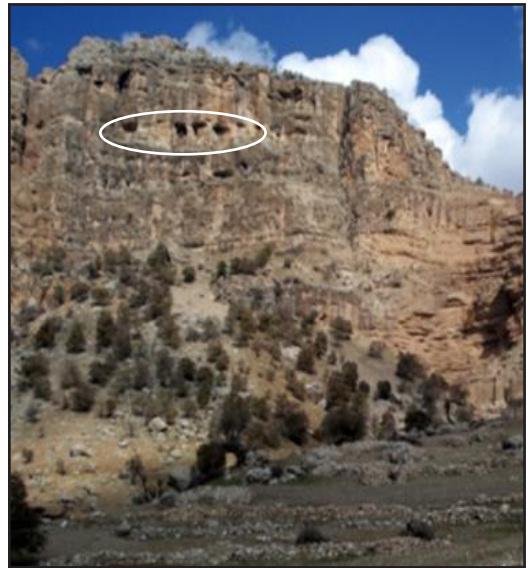
هرچند دو مسیر مشخص برای رسیدن به غار اراز وجود دارد اما قرارگیری غار در محدوده کوهستان‌های صعب‌العبور و برف‌گیر، دسترسی آسان از طریق جاده به آن را محدود کرده و ناگزیر باید بخشی از راه را پیاده پیمود. مسیر نخست رسیدن به غار، جاده خرم‌آباد - سنگ‌تراشان - ایستگاه کشور است که پس از طی حدود ۵۵ کیلومتر به روستای دهگاه می‌رسد. از این روستا تا مقابل غار مسیر کوهستانی است و باید دو کیلومتر پیاده‌روی کرد تا به سینه‌کش کوه و دهانه غار رسید. برای رسیدن به غار از طریق مسیر دوم، می‌باید قبل از رسیدن به روستای سنگ‌تراشان مسیر خود را به سمت دره پرک منحرف کنیم. پس از عبور از گردنه مَرزک با پیمودن حدود ۵۰ کیلومتر به دیارگاه غار اراز در رأس ارتفاعات کوه تاف و مشرف بر دره کشور می‌رسیم. از این نقطه به بعد باید پیاده طی شود و برای فرود از دیواره عمودی کوه تاف، ناچار باید از روی چوب‌های بلوطی که در دیواره کوه همچون پلکانی نامطمئن و لرزان بر روی هم انباشته شده اند، عبور کرد. بلافاصله بعد از پلکان چوبی، چندین پله دست‌کند قدیمی دیده می‌شود که به پایین‌ترین تراس کوه تاف متصل می‌شود. این قسمت از کوه تاف در محل به آوتی شهرت دارد و دارای سه رگه طبیعی یا سه تراس پلکانی است که اختلاف ارتفاع هر کدام از تراس‌ها از یکدیگر به ۲۰ تا ۳۰ متر می‌رسد (تصاویر ۲ و ۳). دهانه‌های سه قلوئی غار در تراس سوم یا فوقانی از فاصله دور به خوبی نمایان است اما دسترسی به آنها فقط از طریق صعود فنی با ابزار مخصوص سنگ‌نوردی امکان‌پذیر است. ادامه این مسیر به سمت غرب از زیر آبشار فصلی آوتی و از یک باریکه‌راه دست‌کند عبور می‌کند. در این محدوده نسیم و آب لطافت خاصی به محیط پیرامون می‌بخشد. آبشار آوتی کاملاً عمودی از صخره‌های به ارتفاع حدود ۲۳ متر فرو می‌ریزد و درون حوضچه‌ای مدور جمع می‌شود. در دیواره‌های حوضچه اثری از تراش صخره دیده می‌شود (تصویر ۴). با پیمودن حدود ۴۵۰ متر از این مسیر باریک که برخی قسمت‌های آن نیز دست‌کند است به دامنه غار اراز و ابتدای شکاف غار می‌رسیم.



تصویر ۱. تصویر هوایی دره کشور و موقعیت قرارگیری غار اراز در کوه تاف (مأخذ: GoogleEarth).



نقشه ۲. موقعیت جغرافیایی غار اراز (مأخذ: حسن پوره، ۱۳۹۱).



تصاویر ۲ و ۳. محل قرارگیری غار اراز در دیواره جنوبی کوه تاف (عکس از: فاطمه دلفان).



تصویر ۵. شکاف رابط به تراس میانی (عکس از: فاطمه دلفان).



تصویر ۴. آبشار فصلی اوتی و راه دست‌کند. (عکس از: فاطمه دلفان).

#### ۴. دست‌کندهای خارج از غار

##### ۱.۴. بررسی دست‌کندهای خارج غار و نحوه صعود به

##### غار

تراس تحتانی از طریق شکافی باریک و عمودی به ارتفاع حدود ۱۵ متر به تراس میانی مرتبط می‌شود (تصویر ۵). قطعات سنگ نسبتاً بزرگی در طول زمان در بین شیار این شکاف قرار گرفته‌اند که همچون پلکانی ناموزون و با فاصله زیاد، امکان بالا رفتن از شکاف را با ضریب خطر بسیار بالا امکان‌پذیر می‌سازند. این شکاف به دلیل فاصله گرفتن صخره‌ای بزرگ از کوه به وجود آمده و به محض صعود از آن (با استفاده از ابزار فنی سنگ‌نوردی) به یک راهرو روباز وارد می‌شویم که ۲۷ پلکان تراشیده شده به عرض تقریبی ۱ متر، با شیبی ملایم ما را به سمت بالا هدایت می‌کند (تصویر ۶). آثار تراش و تسطیح صخره در برخی از قسمت‌های این راهرو دیده می‌شود؛ از جمله آثار چند حفره مکعبی شکل کوچک به قرینه در دو سوی راهرو (محل جدا شدن صخره از کوه) وجود دارد که احتمالاً محل نصب تیرک‌های چوبی جهت مسقف کردن این راهرو بوده است (تصویر ۷).

در بدو ورود به تراس میانی تختگاهی وجود دارد که از صخره تراشیده شده است. ابعاد تختگاه ۵×۶/۵ متر است و در کف آن چالۀ مدور کوچکی به قطر ۲۵ و عمق ۱۸ سانتی متر حفر کرده‌اند (تصویر ۸). در ادامه مسیر تراس میانی به سمت شرق یک آب‌انبار بزرگ به ابعاد ۷×۳/۱ متر و عمق ۱/۲ متر وجود دارد که در کف تراس از صخره حفر شده و اکنون کف آن انباشته از خاک و خاشاک است (تصویر ۹). بر روی دیواره کوه در جدارۀ شمالی آب‌انبار یک مسیر انتقال آب به طول بیش از ۳۰ متر کنده شده که ابتدای آن در زیر یک آبشار فصلی قرار دارد. این جوی آب باریک و روباز از زیر آبشار شروع و به سمت آب‌انبار به صورت ناودانی باریک و افقی با چهار دریچه که در دل کوه تعبیه شده عبور کرده و آب را به درون آب‌انبار هدایت می‌کند. در جدارۀ شمالی و یک متر بالاتر از لبۀ آب‌انبار، چهار حفره کوچک مستطیل شکل وجود دارد که احتمالاً محل نصب تیرک‌های چوبی سقف آب‌انبار بوده است (تصویر ۱۰).



تصویر ۶. پلکان دست‌کند بعد از شکاف ورودی.

(عکس از: فاطمه دلفان)

تصویر ۷. محل حفره‌های ایجاد شده در دو سوی راهرو.

(عکس از: فاطمه دلفان)



تصویر ۱۰. کانال هدایت‌کننده آب.  
(عکس از: فاطمه دلفان)



تصویر ۹. آب‌انبار تراس میانی.  
(عکس از: عطا حسن‌پور)



تصویر ۸. تختگاه.  
(عکس از: فاطمه دلفان)

ورودی و دیوار پشتیبان برای صعود به درون غار، باید از شیب منفی صخره عبور کرد و این امر بدون آشنایی با اصول اولیه صخره‌نوردی و ابزار مرتبط امری محال است. زیرا به محض قرارگیری در زیر صخره و راست کردن قامت، هر لحظه امکان سقوط به قعر دره وجود دارد (تصویر ۱۲). البته وجود این صخره ۱/۵ متری عامل بازدارنده مؤثری برای ورود سودجویان به غار و تخریب آثار آن شده است و البته مانعی نیز برای بازدید پژوهشگران و باستان‌شناسانی که در بخش پیشینه پژوهش به آنان اشاره شد.



تصویر ۱۱. دیواره دست‌ساز. (عکس از: عطا حسن‌پور)

## ۵. دست‌کندهای داخل غار

همان‌طور که در سطور گذشته ذکر شد جهت سهولت در درک و توصیف بهتر فضاها، بخش‌های داخلی غار به تفکیک شرح شده و شامل بخش‌های زیر است:

۱. پلکان ورودی

۲. بخش غربی

۳. بخش شرقی

پس از طی مسافتی قریب به ۵۰ متر در جهت شرق آب‌انبار، به زیر دهانه ورودی و پنجره‌مانند غار اراز می‌رسیم. در این قسمت دیواری متشکل از سنگ و ملات گچ به ارتفاع ۴/۵ متر مشهود است. با توجه به بقایا و پراکندگی ملات بر روی صخره‌های اطراف ورودی غار، احتمالاً در گذشته این دیوار پشتیبان تا دهانه ورودی غار امتداد داشته است و ورود به غار را میسر می‌ساخته است (تصویر ۱۱) اما اکنون با تخریب بخش‌هایی از این سازه امکان دسترسی آسان به غار وجود ندارد. وجود شیب منفی صخره زیر دهانه غار، صعود به درون را بدون امکانات صخره‌نوردی غیر ممکن ساخته است. فاصله دهانه ورودی غار تا سطح زمین در تراس میانی به صورت اریب حدود ۱۱ متر است. وجود شیب منفی و شکل ظاهری صخره پایین‌دست ورودی، الزام وجود پلکان یا شیب راهی مناسب را جهت ورود به غار اثبات می‌کند. برای ساخت پلکان نیاز به سطح اتکای مناسب و مطمئن است. از آنجا که فاصله دهانه غار تا سطح تسطیح شده و مطمئن‌تر از پایین زیاد است، لاجرم این فاصله را با دیواری قطور از سنگ لاشه و ملات پر کرده و پشتیبان و سطح اتکای مناسب را به وجود آورده‌اند. در حال حاضر به علت تخریب بخش واسط

راه دسترسی به طبقات بالا از طریق پلکانی دست‌کند ممکن است که در ضلع جنوبی فضا و ۲ متر بالاتر از کف قرار دارد. به گونه‌ای که نخستین پله دقیقاً بر روی قاب سردر ورودی ایجاد شده است. این پلکان در نقشه‌ها I نامگذاری شد (نقشه ۲). چالش دیگری که برای برقراری ارتباط بین کف فضای ورودی و پلکان I وجود دارد این است که شیب فضا به سمت دهانه ورودی است و هرگونه اقدام ناموفق به برخورد سر با صخره و به دنبال آن پرتاب از دهانه ورودی به سمت دره عمیق پیرامون منجر خواهد شد. لذا برای صعود از این ارتفاع نسبتاً کم باید مجدداً به ابزار فنی سنگ‌نوردی متوسل شد. به احتمال زیاد در گذشته ارتباط این دو بخش توسط نردبان میسر بوده است. پلکان I شامل ۵ پله دست‌کند به عرض ۱/۴ متر و ارتفاع تقریبی ۱۷ سانتیمتر است. یک شکاف عمودی به عرض حدود ۲۰ سانتی متر تمام پلکان را از وسط به دو نیم کرده است. این شکاف در حال حاضر با چندین قطعه سنگ پر شده است (تصاویر ۱۵ و ۱۳). انتهای پلکان I به اولین پاگرد ختم می‌شود. در دیواره جنوبی این پاگرد دریچه‌ای طبیعی دیده می‌شود که در صورت غلبه بر ترس و اضطراب می‌توان از طریق آن چشم‌انداز دره پیرامون غار را به نظاره نشست. در جبهه شمالی این دریچه پلکان دیگری وجود دارد که همچون پلکان قبلی حدود ۳ متر بالاتر از کف پاگرد قرار گرفته و در حال حاضر ارتباط بین این دو قسمت از طریق تنه خشک یک درخت نسبتاً باریک برقرار شده است. برای دسترسی به پلکان II و ادامه مسیر باید از روی این تنه درخت که به صورت اریب قرار گرفته عبور کرد؛ البته با ضریب خطر بالا. زیرا هر لحظه امکان شکستن تنه خشک درخت یا وارونه شدن آن وجود دارد (تصویر ۱۵).

پلکان II دارای ۱۶ پله دست‌کند با جهت شمالی - جنوبی است که در نهایت هنرمندی و بسیار دقیق تراشیده شده‌اند. میانگین عرض پله‌ها حدود ۱ متر است (تصویر ۱۶) و در پلکان‌های فوقانی به حدود ۷۰ سانتی متر می‌رسد. کف و پیشانی این پله‌ها به صورت قوسی تراش خورده شیب نسبتاً تندی دارند. آخرین پله به پاگرد دوم منتهی می‌شود. ابعاد این پاگرد ۰/۹×۰/۸ متر است و پس از آن پلکان III قرار دارد



تصویر ۱۲. بخشی از مراحل صعود به غار.

(عکس از: فاطمه دلفان)

## ۵.۱. پلکان ورودی

دهانه ورودی غار اراز که به دهانه پنجره شهرت دارد، کاملاً دست‌کند و مستطیل شکل است. ابعاد دهانه  $۱/۳۷ \times ۲$  متر است و به سمت جنوب شرق باز می‌شود. شیوه تراش قاب دهانه به گونه‌ای است که می‌توانسته یک دروازه چوبی را به خوبی نگه دارد اما در بررسی سطحی به عمل آمده به علت انباشت رسوبات در کف، آثار پاشنه درگاه مشاهده نشد ولی دو فرورفتگی شبیه نعل‌درگاه در قسمت فوقانی ورودی قرار داشته که به شدت دچار فرسایش شده است (تصویر ۱۳).

نخستین فضای دست‌کند بعد از دهانه ورودی، فضایی کوچک به ابعاد  $۲ \times ۱/۸$  متر است که تمام قسمت‌های آن در صخره تراشیده شده و در سطوح دیوارهای آن آثار پرداخت نهایی دیده می‌شود (تصویر ۱۴). در کف این فضا، آثار دو پله و یک سکوی کوچک چسبیده به دیوار غربی دیده می‌شود. تنها



تصویر ۱۵. پلکان I.  
(عکس از: عطا حسن پور)



تصویر ۱۴. فضای ورودی.  
(عکس از: عطا حسن پور)

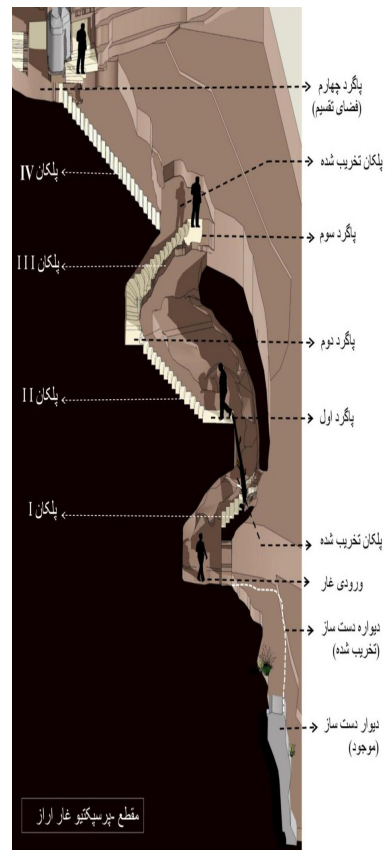


تصویر ۱۳. دریچه ورودی غار.  
(عکس از: عطا حسن پور)

(تصویر ۱۷). کیفیت ساخت پلکان III همچون پلکان قبلی است و شامل ۱۸ پله با شیب ملایم تر است. طول این پله‌ها بین ۰/۷ تا ۱ متر و ارتفاعشان در حدود ۱۶ سانتی متر است. مجموع پلکان‌های I و II و III و پاگردهای اول و دوم به صورت پیوسته درون دالانی ایجاد شده اند که نور آنها از دو جهت تأمین می شود. نخست از طریق دریچه طبیعی موجود در جبهه جنوبی پاگرد اول و دیگر از طریق گشودگی سقف پلکان دوم و گشودگی انتهای پلکان سوم در سقف دالان. (نقشه ۲)



تصویر ۱۶. پلکان II. (عکس از: عطا حسن پور)

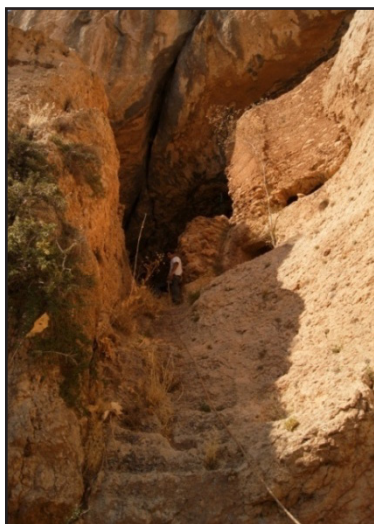


نقشه ۲. مقطع طولی غار اراز (مسیر صعود به درون غار)  
(برداشت و ترسیم از: نگارندگان).



تصویر ۱۸. محل پاگرد سوم و پلکان IV  
(عکس از: عطا حسن پور)

پلکان IV شامل ۲۴ پله دست‌کند با شیب بسیار تند است. مجاورت مستقیم این پلکان با عوامل جوی باعث شده که پلکان این بخش به شدت دچار فرسایش و ساییدگی شوند به نحوی که تشخیص تعداد پله‌ها در این بخش دشوار و عبور از روی آنها با خطر بسیار به همراه دارد (تصویر ۲۰). میانگین عرض پلکان بین ۰/۹ متر و ارتفاع آنها حدود ۱۸ سانتی‌متر است. آخرین پله به دو ورودی ختم می‌شود. یکی در ضلع شرقی پلکان IV و دیگری در امتداد پلکان IV. ورودی واقع در امتداد پلکان، دسترسی به بخش غربی را میسر می‌سازد (تصویر ۲۱). ورودی شرقی که ارتفاع تقریبی ۱/۵ متر و کاملاً دست‌کند است از طریق دالانی به فضای شرقی مرتبط می‌شود.



تصویر ۲۰. پلکان IV و دهانه ورودی تالار مرکزی  
(عکس از: عطا حسن پور)



تصویر ۱۷. پاگرد دوم و پلکان III  
(عکس از: عطا حسن پور)

پلکان III به پاگرد سوم ختم می‌شود که اکنون موجود نیست و به علت تخریب، ارتباط آن با پلکان IV قطع شده است. محل گردش یا پاگرد آن به جای معبر، تبدیل به مانعی گودال‌مانند شده است (تصویر ۱۸). در قسمت‌های غربی، جنوبی و شمالی این گودال صخره‌ای (دریچه مشرف به پلکان II)، فرورفتگی‌های مکعبی‌شکلی دیده می‌شود که به احتمال زیاد محل قرارگیری و نصب تیرک‌های چوبی به منظور ایجاد پلکان ارتباطی و واصل بین پاگرد سوم و پلکان IV بوده‌اند. از بین رفتن و فقدان این بخش چالش بزرگی برای دسترسی به پلکان IV و در نهایت فضای اصلی غار به وجود آورده است. لذا جهت ادامه مسیر، ناگزیر به عبور از روی دیواره صاف و عمودی شرقی، مشرف به پرتگاه پیرامون و دالان زبردست با کمک طناب کوهنوردی هستیم (تصویر ۱۹).



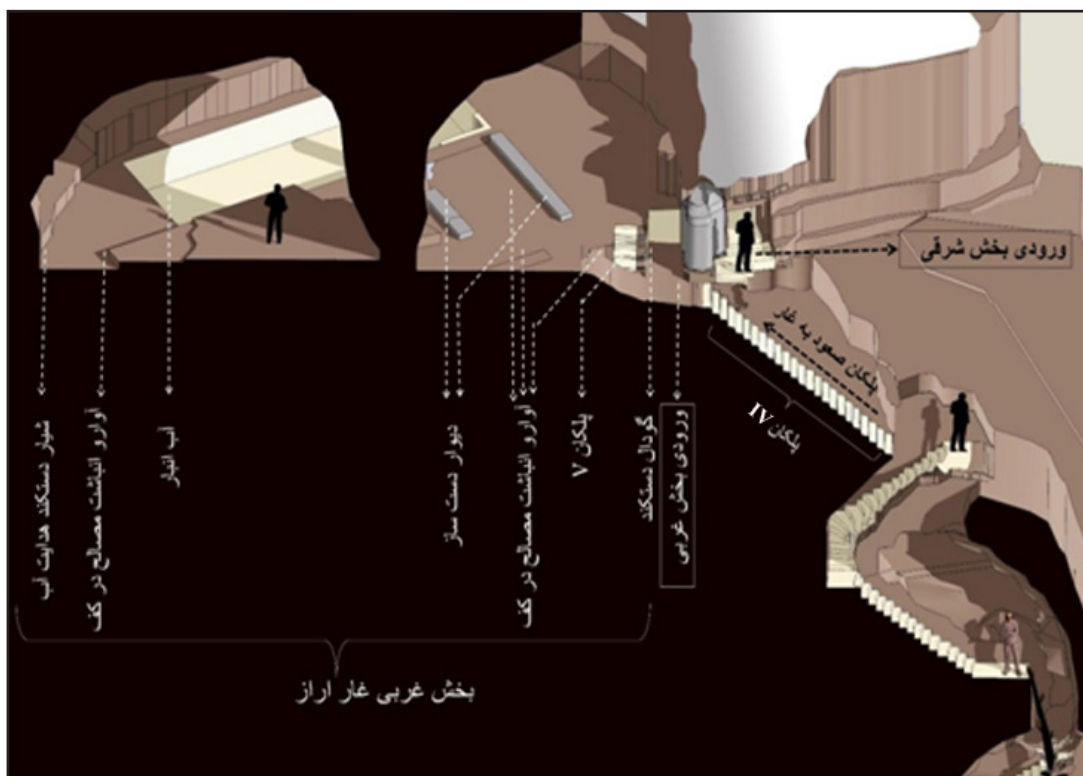
تصویر ۱۹. نحوه دسترسی فعلی به پلکان IV. (عکس از: عطا حسن پور)

## ۲.۵. بخش غربی (تالار مرکزی)

ورودی این فضا در امتداد و راستای پلکان IV واقع شده و پاگرد چهارم در واقع حکم پیش‌ورودی بخش غربی است. جهت تعریف و متباین کردن مناسب فضای ورودی و همچنین کنترل تردد، عرض ورودی به واسطه ساخت دو دیوار سنگی (در دو سوی ورودی) تنگ‌تر شده است. از روسازه (سقف) این ورودی چیزی باقی نمانده است. این دیوارها از سنگ و گچ با اندود گل ساخته شده‌اند. در بدو ورود به محوطه تالار و همسطح با پاگرد چهارم، فضای کوچک گودال‌مانندی با سطح قائده مربع‌شکل از صخره حفر شده است. ضلع شرقی این مخزن را جرز ورودی تشکیل می‌دهد و قسمت جنوبی این فضا در حال حاضر کاملاً باز است. در جداره غربی این گودال پله‌های دست‌کندی وجود دارد که به علت انباشت مصالح (حاصل از تخریب فضاهای داخلی) تنها ۵ پله آن قابل تشخیص است. این پلکان ارتباط پاگرد چهارم و قسمت



تصویر ۲۱. ورودی تالارها در انتهای پلکان IV.  
(عکس از: عطا حسن‌پور)



نقشه ۳. مقطع طولی غار اراز (بخشی از پلکان صعود به غار و اجزای تالار غربی) (برداشت و ترسیم از: نگارندگان).



تصویر ۲۴. درخت تاک (داغداغان) و اتاقک نگهبانی تالار.

۲۳. دهانه‌های تالار مرکزی. (عکس‌ها از: عطا حسن پور)

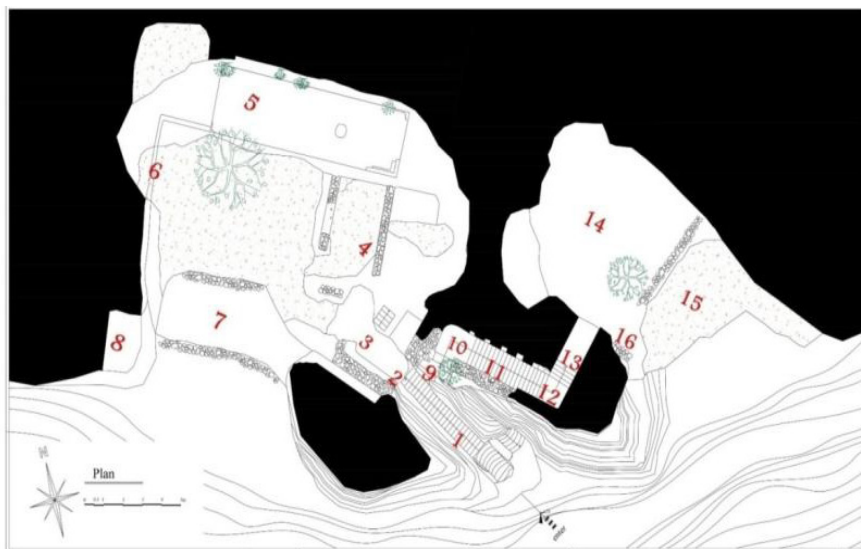
تصویر ۲۲. پلکان V تصویر.

رشد کرده که قامت بلند آن در اثر برخورد با سقف غار خمیده شده و رشد طولی آن در جهت عکس ادامه یافته تا جایی که شاخه‌های فوقانی آن سر به کف تالار ساییده اند. همچنین درختچه‌های متعددی در سقف غار رویده اند که همچون استالاکتیت از سقف غار آویزان شده و جلوه خاصی به فضای درونی غار بخشیده اند (تصویر ۲۴) (نقشه ۴).

پلکان V که در سطور قبلی شرح داده شد، به تراز کف تالار منتهی می‌شود. در ضلع شمالی این پلکان دیوارهایی ساخته شده از سنگ لاشه و ملات گچ به منظور تفکیک فضاها به چشم می‌خورد. این جرزها در کنار هم با جهت شمالی -

ورودی را با فضای اصلی تالار مرکزی برقرار می‌کند. این پلکان با شماره V نامگذاری شد (تصویر ۲۲) (نقشه ۳).

تالار مرکزی غار اراز فضایی نسبتاً گسترده و طبیعی به مساحت تقریبی ۲۰۰ متر مربع است که با مداخله انسان در قالب کاست و انباشت مصالح دستخوش تغییراتی شده است. تالار دارای چشم‌اندازی بسیار زیبا به محیط کوهستانی پیرامون غار و دره (کشور) است که از درون دهانه‌های دوقلوی این فضا قابل رؤیت است. این دو دهانه به سمت جنوب باز می‌شوند و روشنایی درونی تالار از همین طریق تأمین می‌شود (تصویر ۲۳). در مرکز تالار یک درخت تاک (داغداغان) بزرگ



شماره	عنوان فضا	7	مخزن مشرف به پرتگاه	14	تالار شرقی
1	پلکان IV	8	اتاقک (دیدبانی)	15	دیوار (سنگ لاشه و ملاط گچ) و طاق مازه دار
2	پانگرد چهارم (ورودی تالار غربی)	9	ورودی تالار شرقی	16	اتاقک (دیدبانی)
3	پلکان V	10	پانگرد پنجم		
4	دیوار (سنگ لاشه و ملاط گچ)	11	پلکان VI		
5	آب انبار	12	پانگرد ششم		
6	شیار دستکند هدایت آب	13	پلکان VII		

راههای نقشه

نقشه ۴. پلان غار اراز

(برداشت و ترسیم از: نگارندگان).

دیوارهای غار می چکیده به سمت آب انبار هدایت می کرده است. در دو سوی طول آب انبار حفره های کوچک مستطیل شکلی به صورت قرینه ایجاد شده که به منظور پوشش سقف آب انبار و با هدف تمیز نگه داشتن آب یا جلوگیری از تبخیر آن بوده است (تصویر ۲۶) (نقشه ۵ و ۶). نمونه این آب انبارهای سرپوش دار در غار کوگان وجود دارد (نک: حسن پور و همکاران، ۱۳۹۱). شیار دیگری در منتهی الیه جنوب غرب آب انبار ایجاد شده و به سمت غرب تالار و سپس جنوب امتداد می یابد و در نهایت به مخزن دیگری در جنوب تالار و مشرف به پرتگاه مرتبط می شود. این شیار خروجی مازاد آب آب انبار انتهایی تالار را به مخزن مشرف به پرتگاه هدایت می کرده است. جداره های شمالی و جنوبی مخزن مشرف به پرتگاه دست ساز اند و با سنگ و گچ (احتمالاً ساروج) ساخته شده بوده اند که جداره جنوبی آن اکنون از بین رفته است. دو وجه دیگر آن، دست کند هستند و از برش صخره پدید آمده است (تصویر ۲۷) (نقشه ۴).

همان گونه که اشاره شد جداره شمالی آب انبار مشرف به پرتگاه دست ساز است و در حال حاضر دیوار مستحکم آن که به ارتفاع حدود ۳ متر با سنگ و گچ برپا شده کاملاً پابرجا و سالم باقی مانده است. این دیوار به احتمال زیاد ضلع جنوبی اتاقکی زیرزمینی است که ورودی آن اکنون مسدود شده اما برجستگی طاق و رد دیوارهای آن در سطح تالار



تصویر ۲۵. نمای عمومی تالار مرکزی و عناصر معماری موجود. (عکس از: عطا حسن پور).

جنوبی احداث شده اند و در اثر آسیب های انسانی به شدت دچار آسیب شده اند. ارتفاع بخش های برجای مانده این دیوارها بین ۰/۵ تا ۱ متر است. البته در قسمت میانی تالار دیوارهای دیگری نیز وجود داشته است اما در اثر شدت تخریبات و حجم زیاد آوار موجود در سطح غار، امکان تشخیص دیوارها و تفکیک فضاها از هم میسر نیست (تصویر ۲۵).

در انتهای ضلع شمالی تالار، آب انبار بزرگی ساخته شده که گنجایش آن تقریباً ۷۱ متر مکعب است. در وسط این آب انبار یک ستون سنگی به قطر ۰/۶ متر قرار دارد اما متأسفانه بخش فوقانی آن از بین رفته و حدود ۹۰ سانتی متر آن باقی مانده است. این آب انبار دست کند، دارای قاعده مستطیلی با ابعاد ۹/۹×۳/۶ متر مربع و عمقی نزدیک به ۲ متر است (به علت انباشت رسوبات و مصالح تعیین دقیق عمق مقدور نبود). از منتهی الیه شمال غرب تالار تا کنج شمال غرب آب انبار، یک شیار کم عمق در صخره حفر شده که آب هایی را که از سقف



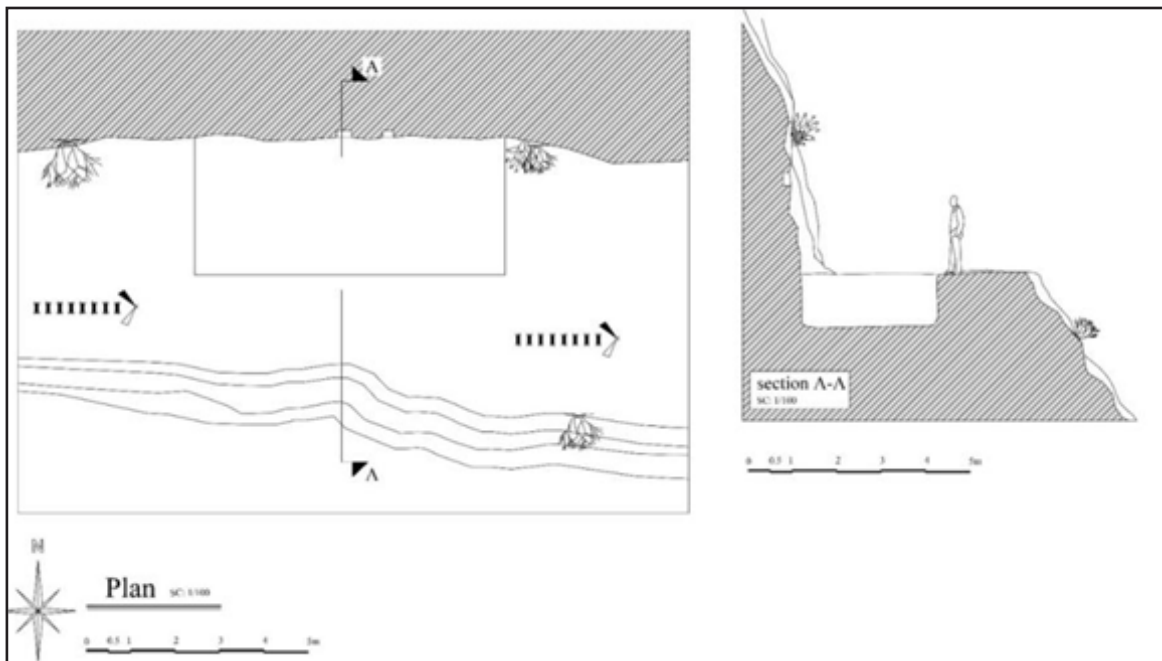
تصویر ۲۷. شیار دست کند منتهی به آب انبار جنوبی تالار مرکزی (عکس از: عطا حسن پور).



تصویر ۲۶. بزرگترین آب انبار تالار مرکزی (عکس از: عطا حسن پور).



تصویر ۲۸. شیار ضلع شرقی و تختگاه تالار مرکزی (عکس از: عطا حسن پور). تصویر ۲۹. گودال دست‌کند (آبانبار) مجاور پلکان V (عکس از: عطا حسن پور).



نقشه ۵ و ۶. پلان و مقطع آب انبار خارج از غار (برداشت و ترسیم از: نگارندگان).

اتاق مذکور به منظور نگهداری یا دیدبانی مسیرهای ارتباطی احداث شده است.

سومین شیار دست‌کند تالار مرکزی در قسمت شرقی قرار دارد و همچون شیار ورودی به آبانبار شمالی تالار، آب‌های اضافی و تراونده از سقف و دیوارهای غار را از کنار دیوارهای شرقی و جنوبی غار به سمت گودال مجاور دیوار ورودی هدایت می‌کند (تصاویر ۲۸ و ۲۹).

در اینجا آخرین فضای تالار مرکزی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که در ضلع جنوبی تالار واقع شده است. این فضا مابین دهانه‌های دوقلوی غار به جداره طبیعی کوه تکیه دارد و

مرکزی مشهود است. متأسفانه ریزش بخش ورودی مانع از دسترسی به فضای داخل اتاقک شده و انباشت مصالح حاصل از تخریبات صورت گرفته در سطح، تشخیص ابعاد واقعی این فضا را دشوار ساخته است (تصویر ۲۵).

در منتهی‌الیه جنوب غربی فضای تالار و در دل کوه اتاقی با پلان مستطیل به صورت دست‌کند ایجاد شده که فرصت دسترسی به آن برای گروه میسر نشد. اتاق فاقد دیوار جنوبی (مشرف به پرتگاه) است. این فضا علاوه بر تسلط کامل بر محیط پیرامون غار، اشراف کاملی هم به مخزن مشرف به پرتگاه در قسمت شرقی دارد (تصویر ۲۴). به احتمال زیاد



تصویر ۳۲. جداره دست‌ساز دالان شرقی.



تصویر ۳۱. دالان ورودی به تالار شرقی.  
(عکس‌ها از: عطا حسن‌پور)



تصویر ۳۰. ورودی تالار شرقی.

با ابعاد  $1/3 \times 1/7$  متر) مواجه می‌شویم. پلکان دست‌کند VI در ضلع شرقی این پاگرد قرار دارند که ورود به تالار شرقی را میسر می‌سازد. جهت این پلکان شرقی - غربی است و در دالانی که بخش عمده آن دست‌کند است محاط شده است. جداره‌های این دالان بسیار رفیع است و به جز بخش آغازین که از سنگ لاشه و ملات و اندود گل ساخته شده، تماماً دست‌کند است. دیوارهای که با سنگ لاشه ساخته شده به شکل کرو (منحنی) است و با مهارت به بخش دست‌کند متصل شده است. گذشته از این ساخت دیواری با این حجم مصالح و ارتفاع زیاد با انحنای مضاعف، گواه توان فنی و اجرایی بالای سازندگان این اثر است. احتمالاً این دالان مسقف بوده ولی اکنون از روسازه اثری به جا نمانده است (تصاویر ۳۱ و ۳۲). در دو سوی دیواره‌های شمالی و جنوبی دالان، حفره‌های مستطیلی طاقچه‌مانندی به حالت قرینه ایجاد شده است که تعداد آنها در راستای طول دالان در هر سمت ۶ عدد و مجموع آنها ۱۲ عدد است (تصویر ۳۴). ابعاد طاقچه به طور میانگین  $55 \times 35$  سانتی‌متر و عمق آنها در حدود ۳۲ سانتی‌متر است. مورد استفاده این عناصر معماری فعلاً بر ما مشخص نیست.

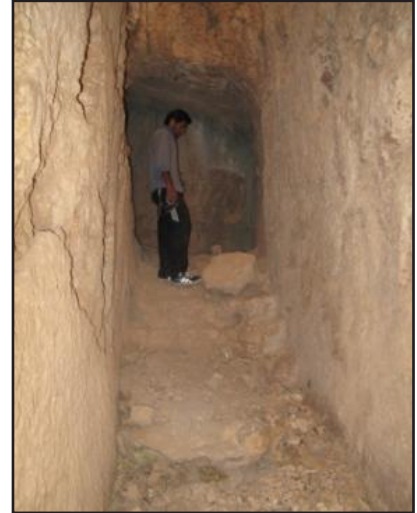
سه وجه دیگر آن فاقد دیوار است. کف و قسمت تحتانی جداره جنوبی این فضا با تراش و کاستن صخره‌مانند یک تختگاه تسطیح شده و هم‌تراز است. ابعاد این فضا  $4 \times 0/5$  متر است و به هر دو دروازه ورودی شرقی و مرکزی اشراف کامل دارد (تصویر ۲۸).

### ۳.۵. بخش شرقی

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، آخرین پله‌های پلکان IV به دو ورودی (یکی در شرق و دیگری در مرکز) ختم می‌شود. ورودی شرقی قبل از ورودی تالار مرکزی واقع شده و ساخت سه پله دست‌کند در پیش‌رو ورودی شرقی، امکان گردش به سمت شرق و ورود به این بخش را فراهم ساخته است. ورودی شرقی به شکل یک قاب مستطیلی دست‌کند در نما دیده می‌شود و ابعادی در حدود  $1 \times 1/5$  متر و عمق ۴۰ سانتی‌متر دارد. با توجه به نحوه تراش چارچوب این ورودی احتمالاً در گذشته دری در این بخش نصب بوده است. در کنار این ورودی یک درخت انجیر نه چندان بزرگ وجود دارد که برای مهار کردن کارگاه کوهنوردی از آن بهره گرفتیم (تصویر ۳۰). با عبور از قاب دست‌کند به فضای پاگرد پنجم (با پلان مستطیل شکل



تصویر ۳۴. حفره‌های موجود در دو سوی دیوارهٔ دالان (عکس از: عطا حسن‌پور).



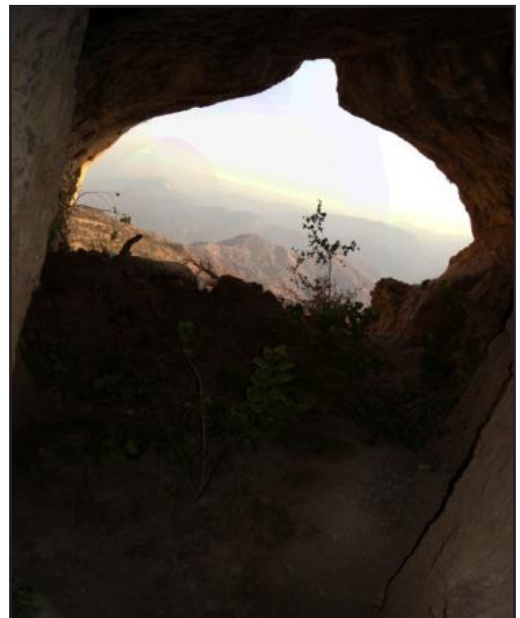
تصویر ۳۳. پلکان VI و دالان شرقی (عکس از: عطا حسن‌پور).

فضای اصلی تالار شرقی وصل می‌کند (تصویر ۳۳ و ۳۴). مساحت فضای تالار شرقی حدود ۸۰ متر مربع است و نور این فضا از طریق دهانهٔ نسبتاً بزرگی که در قسمت جنوبی‌ست تأمین می‌شود (تصویر ۳۵). بیشتر عناصر معماری این تالار با سنگ و گچ ایجاد شده‌اند و بخش کوچکی نیز دست‌کند است. در بدو ورود به تالار شرقی حفره‌ای در کف دیده می‌شود که بر اثر کاوش‌های غیر مجاز مسدود شده و امکان ورود به

پلکان VI شامل ۲۰ پله دست‌کند با میانگین ارتفاع ۱۸ سانتی‌متر و کفی به ابعاد ۰/۲۲×۱/۱ متر احداث شده که با یک چرخش ۹۰ درجه به پاگرد ششم و پلکان VII وصل می‌شود. پلکان VII متشکل از ۵ پله دست‌کند است که همچون پلکان قبل درون یک دالان محاط شده است، با این تفاوت که این دالان مسقف و تماماً دست‌کند است. انتهای پلکان VII راه‌های با شیب بسیار ملایم است که دالان را به



تصویر ۳۶. فضای عمومی تالار شرقی. (عکس از: عطا حسن‌پور).



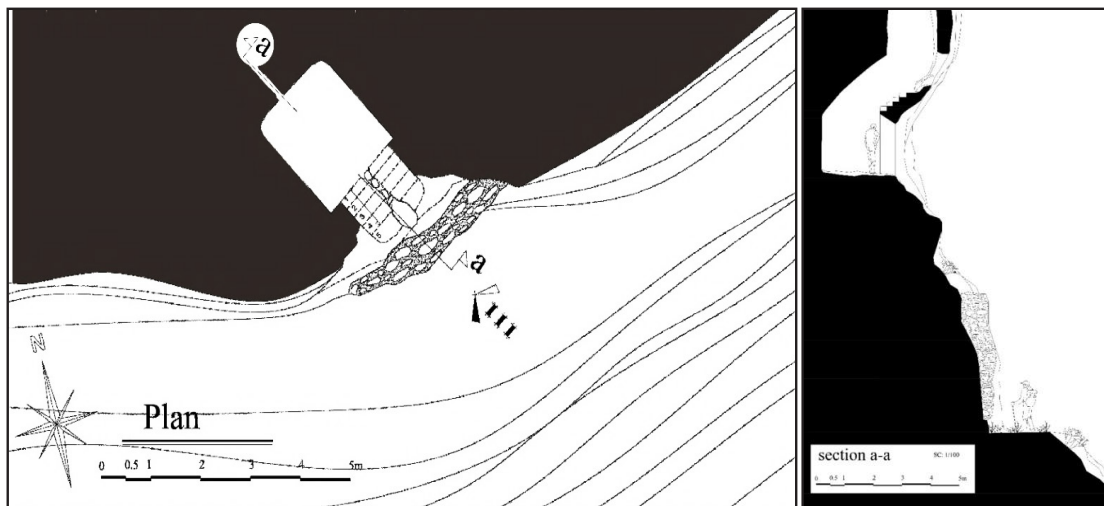
تصویر ۳۵. دهانهٔ تالار شرقی.



تصویر ۳۸. بقایای اتاقک نگهبانی مشرف به دالان شرقی (عکس از: عطا حسن پور).



تصویر ۳۷. طاق باقی مانده در جنوب تالار شرقی (عکس از: عطا حسن پور).



نقشه ۷ و ۸. پلان و مقطع دهانه ورودی غار (برداشت و ترسیم از: نگارندگان).

است و کاملاً مشوش و درهم ریخته است به گونه‌ای که امکان تشخیص دیوارها و تفکیک فضاها میسر نیست. برخی عناصر معماری که در لبه پرتگاه قرار داشته اند نیز در اثر تخریب به بیرون سقوط کرده اند. در ضلع شرق این فضا و مشرف به دالان ارتباطی و پلکان IV، بقایای یک اتاقک دست‌کند به مساحت حدود ۴ متر مربع وجود دارد که دیوار جنوبی آن با سنگ و گچ احداث شده و بخشی از آن هنوز باقی مانده است (تصویر ۳۸). این فضا احتمالاً به منظور نگهبانی و یا دیدبانی در قسمت شرقی غار مورد استفاده قرار گرفته است. (نقشه ۷ و ۸)

آن میسر نیست. اما طبق فیلم و تصاویر مستندی که سال‌های گذشته از آن تهیه شده، یک اتاقک زیرزمینی با طاق ضربی است که حدود ۶ متر مربع مساحت دارد. این قسمت احتمالاً مانند اتاقک زیرزمینی تالار غربی با هدف خاصی ایجاد شده است (تصویر ۳۶). این بخش در قیاس با تالار غربی مساحت کمتری دارد و عناصر کالبدی کمتری در آن به چشم می‌خورد. در جنوب تالار شرقی و مشرف به پرتگاه، فضای دیگری قرار دارد که از بقایای دیوارها و عناصر معماری آن تنها یک طاق با چفت مازهدار متصل به دیوار شمالی برجای مانده است و یک درخت بزرگ و خشکیده بر روی آن سقوط کرده است (تصویر ۳۷). تراز کف این فضا حدود ۲ متر پایین‌تر از تراز کف تالار

## ۶. تاریخ‌گذاری

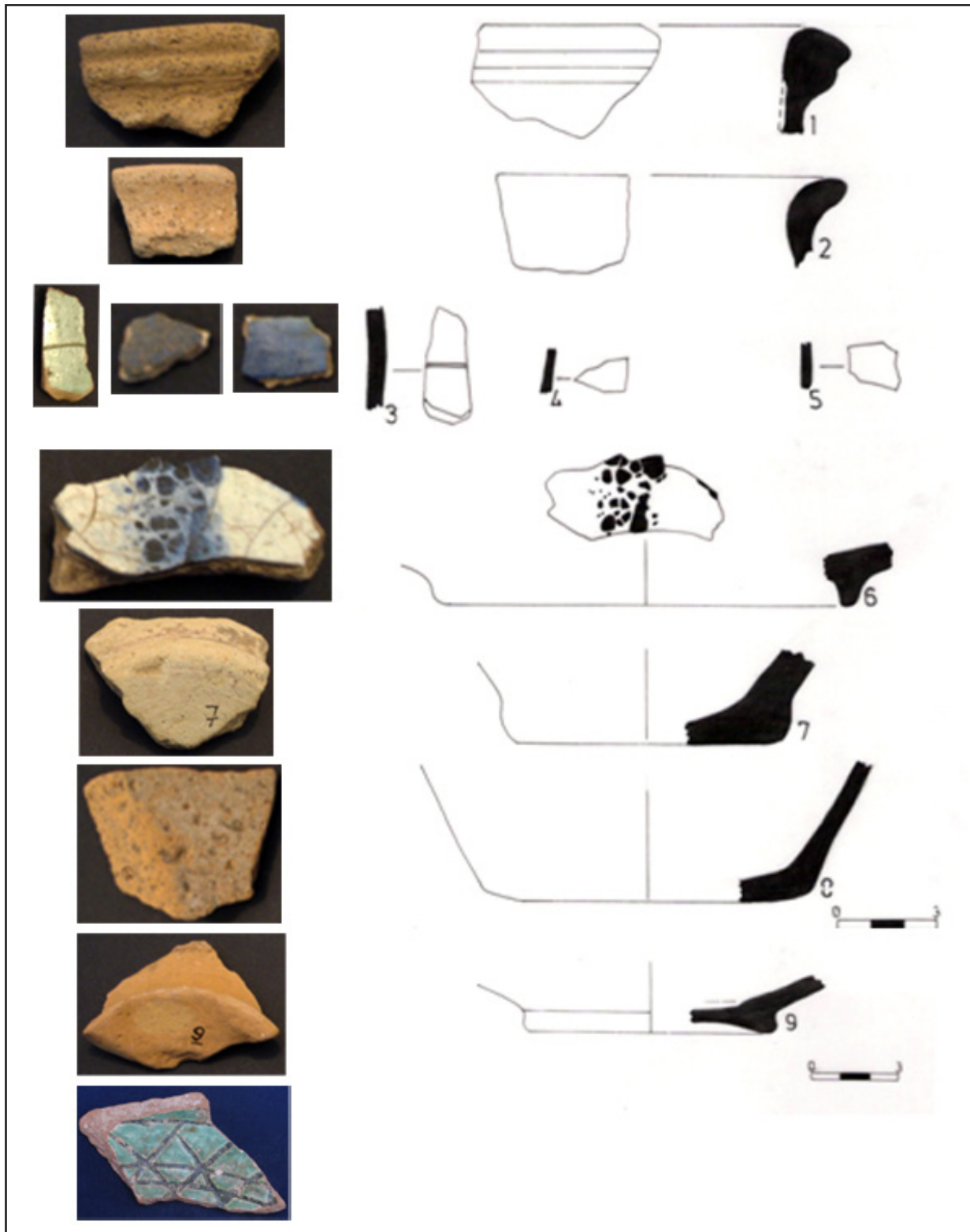
سفالینه‌های به‌دست‌آمده از غار اراز - که تنها یافته‌ باستان‌شناسی این محوطه محسوب می‌شوند - به دو دسته ساده و لعاب‌دار تقسیم می‌شوند. این سفال‌ها چرخ‌ساز و از گونه نخودی هستند. ماده چسباننده آنها را ماسه و شن ریز تشکیل می‌دهند و قابل مقایسه با سفال‌های قرون میانه اسلامی (۶ تا ۸ هجری) هستند (طرح ۱). نمونه این سفال‌ها از غار ارجنک الیگودرز (حیدری، ۱۳۸۸) و غار کوگان (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۱) گزارش شده است. به لحاظ تطبیق فضاهای معماری و عناصر دست‌کند غار اراز، می‌توان آن را با غارهای کوگان در شهرستان پلدختر (همان) و غار دورک در شهرستان الیگودرز (حسن‌پور، ۱۳۸۸) مقایسه کرد. لذا با توجه به مطالعات تطبیقی یافته‌ها و موقعیت قرارگیری غار اراز، احتمال دارد در برهه‌ای خاص یعنی زمان حضور اتابکان لر کوچک در لرستان و همزمان با حمله مغولان به لرستان این غار مورد استفاده قرار گرفته باشد.

سلسله اتابکان لر کوچک نزدیک به چهار قرن و نیم، از اواخر دوره سلجوقی (۵۷۰ق) تا میانه عصر صفوی (۱۰۰۶ق) بر منطقه‌ای که در گذشته به قلمرو لر کوچک مشهور بوده و امروزه تقریباً استان‌های ایلام و لرستان را در بر می‌گیرد، فرمانروایی کرده‌اند (خودگو، ۱۳۷۸: ۲). تاریخ حکومت اتابکان لر کوچک دارای فراز و نشیب‌های متعددی است که عموماً در اثر نزاع‌های خانوادگی بر سر رسیدن به قدرت یا حملات ویرانگر مغولان، ایلخانان و فشارهای سیاسی خلفای بغداد به وجود آمدند. این خاندان قریب به شش قرن بر لرستان حکمرانی کرده‌اند و می‌توان گفت در طول تاریخ هیچ حکومتی (حتی هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان) نتوانسته به صورت پیوسته اقتدار سیاسی خود را در این منطقه حفظ کند و از این جهت سلسله اتابکان لر کوچک را باید در زمره حکومت‌هایی به شمار آورد که سیطره فرمانروایی آنان در زاگرس مرکزی گسترده و طول مدت زمامداری‌شان (۴۲۶ سال) در تاریخ لرستان بی‌نظیر است.

شهر گزیت در قرن هفتم شهری آباد بوده است تا آنجا که نخستین امرای لر کوچک از جمله شجاع‌الدین خورشید،

سیف‌الدین رستم و عزالدین گرشاسف مرکز فرمانروایی خود را در این شهر قرار دادند. ولی از قرن هشتم به بعد این شهر رونق خود را از دست داد. حمدالله مستوفی مؤلف قرن هشتم آن را جزو شهرهای خراب منطقه لر کوچک ذکر کرده است و می‌نویسد: «از شهرهای آنجا سه شهر خراب اند: گزیت، لورش و صیمره» (تاریخ گزیده، ۱۳۶۲: ۵۶۱). با آغاز دوره مغول شهر شاپورخواست به آهستگی رو به زوال رفت. در این دوره قلعه گزیت بیش‌تر مورد توجه بوده است و اتابکان پیش‌تر در موقعیت قلعه گزیت به سر می‌برده‌اند. از مهمترین رویدادهای این دوره شاپورخواست، نبرد سال ۶۴۰ق بین سپاهیان خلیفه و پنجمین اتابک است که به قتل وی منجر شد (پرویز، ۱۳۹۰: ۱۷). در حمله نخست تیمور در سال ۷۸۸ق دژ خرم‌آباد با خاک یکسان شد. در حمله دوم به سال ۷۹۵ق نیز صدمات فراوانی به لرستان رسید و مردمانش پراکنده شدند (مینورسکی، ۱۳۸۷: ۲۲).

در اواخر حکومت سلجوقیان، از طرف حسام‌الدین شوهلی حاکم لرستان و بخشی از خوزستان، شجاع‌الدین خورشید (۵۸۰-۶۲۱ق) به عنوان فرماندار منطقه لرستان انتخاب شد و قدرت را در دست گرفت. وی بنیانگذار سلسله‌ای محلی در لرستان به نام اتابکان لر کوچک (۵۸۰-۱۰۰۶ق/۱۱۸۴-۱۵۹۷م) شد. بعدها سلسله محلی دیگری با نام والیان لرستان (۱۰۰۶-۱۳۴۸ق/۱۵۹۷-۱۹۲۸م) جایگزین این سلسله شد. این دو سلسله، حکومتی نیمه‌خودمختار را در لرستان پایه‌گذاری کردند که به مدت ۷۴۴ سال دوام آورد. اتابکان لر کوچک در لرستان شمالی و غربی حکومت کردند. مرکز قلمرو آنان شاپورخواست (خرم‌آباد) و گزیت بود (پرویز، ۱۳۹۰: ۱۶). آخرین اتابک لرستان شاهرودیخان بود. وی تلاش‌های مشخصی برای حکومت مستقل و نیز تمایل شدیدی برای کسب قدرت و مقام از خود نشان داد که این امر سوء ظن و حسادت شاه عباس بزرگ را برانگیخت. از این رو با مشکلاتی که شاهرودیخان برای شاه ایجاد کرده بود شاه صفوی مجبور شد سه بار طی سال‌های ۱۰۰۲، ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ق به خرم‌آباد سفر کند تا سرانجام در آخرین سفر خود شاهرودیخان را درون قلعه چنگوله محاصره کرد و پس از دستگیری او را کشت.



طرح ۱. نمونه سفال‌های به‌دست‌آمده از غار اراز (طرح از: مهدور، ۱۳۸۸، بررسی سطحی نگارنده‌گان، ۱۳۸۵).

مرگ شاهوردیخان به حکومت بیش از ۴۰۰ ساله اتابکان پایان داد (مینورسکی، ۱۳۸۷: ۲۴). در ادامه شاه عباس با دعوت از بازماندگان خانواده شاهوردیخان که احتمال مخالفتشان با حاکمان انتصابی خود را می‌داد، مهمانی بزرگی در خرم‌آباد ترتیب داد و در این مهمانی ناجوانمردانه همه آنها را گردن زد. شاه عباس بعد از مرگ شاهوردیخان، حسینخان، پسر عم او را حاکم لرستان کرد. وقتی این مقام به حسینخان اعطا شد، وی ملقب به والی شد و لقب اتابک از میان برداشته شد (همان). پس از حکومت اتابکان، سراسر لرستان از جمله پیشکوه (لرستان امروزی) و پشتکوه (ایلام کنونی) تحت تسلط سلسله نیمه‌خودمختار والیان (۱۰۰۶-۱۳۴۸ق/۱۵۹۷-۱۹۲۸م) قرار گرفت. آنها ضمن حفظ یکپارچگی قلمرو لرستان برای قرن‌ها مانع از دست‌اندازی امپراطوری عثمانی به مرزهای جنوب غرب ایران شدند (پرویز، ۱۳۹۰: ۱۸).

#### ۷. نتیجه‌گیری

برای خلق مجموعه‌ای در این مقیاس علل متعددی را می‌توان ذکر کرد. با توجه به شواهد و بررسی‌ها به محتمل‌ترین آنها اشاره می‌شود. آب و هوای مطبوع دره کشور به خصوص از اواسط بهمن تا اواخر اردیبهشت‌ماه، پوشش جنگلی متنوع و رستنی‌های گوناگون، چشم‌اندازهای زیبا همچون پدیده نادر معروف به دریای ابر که پس از بارش باران و برف شکل می‌گیرد، وجود تفرجگاه و استخر طبیعی در پایین دست آبشار آوتی و وجود صید فراوان از جمله مولفه‌هایی است که می‌توانسته در انتخاب این مکان برای اتابکان به عنوان شکارگاه یا تفرجگاهی مخصوص مورد توجه قرار گیرد.

بررسی الگوهای استقرار منطقه نشان می‌دهد دره کشور در دوره تاریخی به خصوص اشکانی و سپس قرون میانه اسلامی بسیار مورد توجه بوده است. عبور چند ایل راه اصلی و فرعی از این دره و نزدیکی به پایتخت‌های اتابکان در لرستان در تعدد مکان‌های استقرار نقش قابل ملاحظه‌ای داشته است. با توجه به تاریخ‌گذاری اولیه و نسبی غار اراز که آن را به قرون ۶ تا ۸ هجری منسوب می‌کند و فاصله نزدیک آن با مراکز حکومتی اتابکان در لرستان، احتمالاً غار اراز در

تحولات سیاسی و نظامی و اجتماعی و یا حتی مذهبی دوران خود نقش مهمی ایفا می‌کرده است. جغرافیایی غار- دژ اراز با مراکز اصلی حکومت اتابکان که طی قرون ۶ تا ۹ هجری کانون تحولات سیاسی و نظامی بوده اند، فاصله‌ای نزدیک دارد؛ فاصله زمینی این غار با شهر و دژ گریت در شمال حدود ۲۵ کیلومتر و با شاپورخواست در شمال غرب حدود ۵۰ کیلومتر است. اما با توجه به اینکه در هیچ‌کدام از منابع تاریخی قرون میانی اسلام و قبل تر از غار اراز ذکری به میان نیامده است، احتمال دیگر آن است که این غار، یک مکان سری و امنیتی و استراتژیک بوده که در عین اختفای کامل، کاملاً بر محیط پیرامون خود تسلط و اشراف داشته و می‌توانسته در مواقع لزوم مورد استفاده قرار گیرد. وجود محوطه لشکرگاه<sup>۵</sup> در پیرامون نیز غار فرضیه نظامی و استراتژیک بودن غار را اندکی تقویت می‌کند.

در اختیار داشتن دژهای مستحکم و غیر قابل نفوذ در دوره اتابکان بسیار مورد توجه بوده است، چنانکه از شواهد موجود پیداست دژها یا غار- دژهای متعددی طی دوران حکومت اتابکان در سراسر لرستان احداث یا اشغال شده است که در بسیاری از مواقع حافظ جان و نگهدارنده حکومت حاکمان وقت بوده است. چنانکه در تاریخ گزیده و منتخب التواریخ آمده است، زمانی که الناصر بالله خلیفه بغداد حکم به عزل و برکناری شجاع‌الدین خورشید (سرلسله اتابکان لر کوچک) از حکومت لرستان داد، شجاع‌الدین در دژ منگره پناه گرفت. پس از محاصره طولانی دژ توسط سپاه خلیفه و عدم موفقیت در تسخیر آن، خلیفه تصمیم گرفت در ازای تسلیم دژ منگره به او، حاکمیت مجدد شجاع‌الدین بر لرستان و حتی بخشی از خوزستان (ولایت طرزاک) را به رسمیت بشناسد (مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۵۲)؛ (نطنزی، ۱۳۳۶: ۵۴). اهمیت دژها در این دوره به حدی است که خلیفه حاضر می‌شود آن را با حاکمیت یک منطقه وسیع و حاصل خیز همچون لرستان و بخشی از خوزستان معاوضه کند و از طرفی داشتن این چنین مکان استراتژیکی برای یک حاکم نیز نقطه قوتی بود که در آن مقطع حساس سپهر جان خود و پاسدار حاکمیتش شد و سبب شد تا بیش از ۴ قرن حکومت در خاندانش موروثی شود.

علاوه بر موارد اشاره شده نباید نشانه‌های مذهبی و آیینی غار اراز را از نظر دور داشت. زیرا شواهدی همچون وجود آب‌انبارهای درون و بیرون غار و نحوه آب‌گیری آنها، فضاهای زیرزمینی، طاقچه‌های دوازده‌گانه قرینه، اتاقک‌های منفرد در بالاترین سطح غار، پرداخت سطح صخره‌ها و زیباسازی فضاها، کارکرد آیینی و مذهبی غار را تقویت می‌کند. ورودی هر دو تالار از هم منفک است و عناصر کالبدی آنها نیز متفاوت است. با این ویژگی احتمال ترکیب دو کاربری آیینی و تفریح‌گاہی نیز می‌رود. اما برای اثبات این فرضیات فعلاً شواهد متقن و دلایل مشخصی در دست نیست. لذا باید در انتظار انجام کاوش‌های باستان‌شناسی هدفمند در سطح مشوش غار بود تا بلکه بتوان پاسخ تقریباً روشنی در مورد کارکرد اصلی غار ارائه کرد.

### سیاس‌گذاری

از باستان‌شناس فرهیخته جناب دکتر احمد پرویز به سبب رهنمودهای ارزنده و مفیدشان کمال تشکر را داریم. همچنین از دوستان عزیز آقایان مهندس زبیر حیدری، مرتضی گراوند، خانم مهندس الهام بیرانوند، استاد صخره‌نوردی آقای داریوش ابدالبیان و اهالی خونگرم منطقه، آقایان حاج سپهدار محمدی، حامد محمدی، سپهدار کمالی و همکار ارجمند احمد نظری که در مراحل مختلف کار میدانی نگارندگان را یاری رساندند سپاسگزار ایم.

### پی‌نوشت‌ها

۱. آقایان حشمت شهروان و قاسم شکیب از اعضای هیئت کوهنوردی لرستان و آقایان حمید گودرزی، محمدرضا گودرزی، مرحوم سیدرضا طاهری مسئول وقت حراست، و مرحوم محمدباقر بهرامی از اعضای گارد حفاظت میراث فرهنگی این گروه را همراهی کردند.
۲. اراز، در گویش لری به بیماری دق (غم و غصه) می‌گویند.
۳. (Keshvar)
۴. محوطه‌ای به نام «برد اشکار» (تخته سنگ نسبتاً بزرگی با نقوش کنده شکار و شکارچی)، در جنوب غار اراز و تخته سنگ بزرگ دیگری در جنوب شرق غار به نام «برد شیرکش» وجود دارد که نشان از وفور شکار در این منطقه دارد. تا سسی سال پیش منطقه از نظر وجود حیوانات وحشی بسیار غنی بوده است. شکار

حیوانات به عنوان عملی افتخارآمیز، همیشه برای پادشاهان و حاکمان لذت‌بخش بوده و اغلب مناطق شکارخیز را به قرق خود درمی‌آورده‌اند.  
۵. لشگرگاه نام محوطه‌ای ثبتی است در شمال روستای دهگاه که ساکنان محل معتقدند این محوطه اردوگاه نظامیان یا محافظان غار بوده است و اذعان می‌کنند که ابزار و ادوات جنگی متعددی همچون سرپیکان در این محوطه مشاهده کرده‌اند.

### منابع

- ایزدپناه، حمید. (۱۳۶۳). آثار باستانی و تاریخی لرستان. چ ۱. تهران: انتشارات آگاه.
- حسن پور، عطا. (۱۳۸۸). پرونده ثبتی مجموعه پلکان و آب‌انبارهای یافته. مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی لرستان (منتشر نشده).
- (۱۳۸۸). پرونده ثبتی مجموعه دژ و معماری صخره‌های غار دورک. مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی لرستان (منتشر نشده).
- حسن پور، عطا و مهرداد ملک‌زاده. (۱۳۹۰). گزارش فصل ششم کاوش باستان‌شناختی محوطه پاتخت سنگ‌تراشان. پژوهشکده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).
- حسن پور، عطا، و فاطمه دلفان و ماریا حیدری. (۱۳۹۱). «غار کوغان اعجابی از هنر صخره‌ای لرستان». در چکیده مقالات نخستین همایش معماری دست‌کند کرمان. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی.
- حسن پور، عطا و مسعود صادقی راد. (۱۳۹۲). بررسی باستان‌شناختی حوزه آبیگر سد و نیروگاه کرخه ۲. پژوهشکده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).
- حیدری، احمد. (۱۳۸۷). گزارش بررسی و شناسایی دهستان پیشستکوه ذلقی، الیگودرز. پژوهشکده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).
- خودگو، سعادت. (۱۳۸۷). اتابکان لر کوچک. چ ۱. خرم‌آباد: انتشارات افلاک.
- رضوانی، حسن. (۱۳۷۳). گزارش بازدید از غارهای لرستان. مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی لرستان (منتشر نشده).
- فرزین، علیرضا و احمد پرویز. (۱۳۹۰). خرم‌آباد. چ ۱. تهران: علیرضا فرزین.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۲). تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۷۸). «لرستان در دایره المعارف اسلام». ترجمه زروان لرستانی. در کتاب لرستان (مجموعه مقالات). به کوشش سیدفرید قاسمی. چ ۱. تهران: حروفیه.
- مهدور، مجتبی. (۱۳۸۵). گزارش بررسی و شناسایی دهستان کشور. پژوهشکده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).
- نطنزی، معین‌الدین. (۱۳۳۶). منتخب التواریخ. به تصحیح اوژن اوین. تهران: انتشارات خیام.